

# راز شش کلمه‌ای موفقیت

ارل نایتینگل

ترجمه:

امید صدرالدینی

www.ketab.ir

|                     |                                                               |
|---------------------|---------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : نایتینگل، ارل، ۱۹۸۹ - م.                                    |
| عنوان و نام پدیدآور | : Nightingale, Earl                                           |
| مشخصات نشر          | : راز شش کلمه‌ای موفقیت / ارل نایتینگل؛ ترجمه امید صدرالدینی. |
| مشخصات ظاهری        | : ۹۲ ص: ۱۴×۲۱ م.م.                                            |
| شابک                | : ۶۵۰۰۰ ریال: ۸-۴۲-۷۹۰۸-۶۲۲-۹۷۸                               |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیبا                                                        |
| یادداشت             | : عنوان اصلی: The six-word secret to success, 2021.           |
| موضوع               | : موفقیت<br>Success                                           |
| شناسه افزوده        | : صدرالدینی، امید، ۱۳۶۷ -، مترجم                              |
| رده بندی کنگره      | : ۶۳۷BF                                                       |
| رده بندی دیویی      | : ۱/۱۵۸                                                       |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۸۶۹۹۲۰۹                                                     |
| اطلاعات رکورد       | : فیبا                                                        |
| کتابشناسی           |                                                               |

نام کتاب: راز شش کلمه‌ای موفقیت

ارل نایتینگل

ترجمه: امید صدرالدینی

ناشر: دیده‌بان قلم فرناک

طراح جلد: بهناز براتی

ویراستار: فاطمه شمس

صفحه آرا: حامده حاجی ابراهیمی

قطع: رقعی

تعداد صفحه: ۹۲ صفحه

نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۸-۴۲-۷۹۰۸-۶۲۲-۹۷۸

بها: ۶۵۰۰۰ ریال

## سخن مترجم:

خوشحالم که کتاب راز شش کلمه‌ای موفقیت را برای خواندن انتخاب کرده‌اید و امیدوارم مطالب کتاب راز شش کلمه‌ای موفقیت پاسخ مناسبی به سوالاتی باشد که شاید چندین سال به دنبال آن‌ها بوده‌اید. دانستن علت اینکه چرا چنین کتابی را برای ترجمه انتخاب کردم، شاید برای شما جالب باشد. بنده سالهای سال دنبال این بودم که چرا بعضی از افراد با وجود اینکه خیلی تلاش و کوشش می‌کنند اما موفق نیستند و نمی‌توانند به خواسته‌ها و آرزوهای خودشان برسند. در این کتاب آقای ارل مارتینگل افراد را به دو دسته رودخانه محور و هدف محور تقسیم می‌کند و بررسی می‌کند که چرا بعضی افراد به اهداف خود دست می‌یابند و بعضی افراد در راه رسیدن به اهداف خود ناکام می‌مانند. در این کتاب به طور کامل بررسی خواهیم کرد که کدام یک از دسته‌های بالا بهتر هستند و اینکه درمی‌یابیم ما جزو کدام دسته هستیم.

## فهرست مطالب

|                            |    |
|----------------------------|----|
| مقدمه                      | ۹  |
| فصل اول: رودخانه یا هدف    | ۱۷ |
| فصل دوم: با آن همراه باشید | ۴۵ |
| فصل سوم: یافتن تعادل       | ۶۹ |
| درباره‌ی نویسنده           | ۹۱ |

www.ketab.ir

## مقدمه

به منظور لذت کامل بردن از موفقیت و احساسی که همراه آن با دست یافتن به دستاوردها به وجود می‌آید، فرد باید با فقر<sup>۱</sup> و محیطی که در آن هدف ما، بقاء روزانه است، آشنا شده باشد. به نظر نمی‌رسید که این محیط، برای سایر بچه‌ها عذاب‌آور باشد، اما برای من عذاب‌آور بود. آنچه باعث شده بود همه چیز برای من، به‌عنوان یک پسر بچه‌ی دوازده ساله، غم‌انگیزتر شود، این بود که من در جایی به دنیا آمدم که به نظر می‌رسید تعداد زیادی از ساکنان آنجا شوقمند هستند، در جنوب کالیفرنیا. در حقیقت، هرکسی که دارای خودرو، یخچال برقی و خانه‌ای سراسر فرش بود<sup>۲</sup>، از نظر من غنی بود و فرزندان چنین افرادی، از نظر من واقعاً خوش‌شانس<sup>۳</sup> بودند. من تصمیم گرفته بودم کشف کنم چرا در آن زمان برخی افراد غنی بودند، در حالیکه بسیاری از ما فقیر بودیم.

سال ۱۹۳۲ - بزرگ‌ترین رکود اقتصادی<sup>۴</sup> رخ داد. میلیون‌ها نفر بیکار شدند. من و دو برادرم خوش‌شانس بودیم، گرچه پدرم ما را در جستجوی زندگی و موقعیت بهتر<sup>۵</sup>، ترک کرد، اما مادرم هرگز یک روز را هم از دست

---

<sup>۱</sup> poverty.

<sup>۲</sup> wall to wall carpeting.

<sup>۳</sup> fortunate.

<sup>۴</sup> Great Depression.

<sup>۵</sup> greener pastures.

معنی لغوی مراتع سرسبزتر، ولی در اصطلاح، کنایه از موقعیت و زندگی بهتر می‌باشد (توضیح

مترجم).

ندارد و به صورت مداوم در کارخانه‌ی خیاطی و نیز اداره‌ی توسعه‌ی مشاغل (WPA) کار می‌کرد. درآمد او تا آنجا که من به یاد دارم، ماهی پنجاه و پنج دلار بود که ضامن بقاء ما در شهر بود. ما در «تنت سیتی»<sup>۱</sup> پشت آپارتمان‌های قدیمی مارینر<sup>۲</sup>، در سواحل لانگ‌بیچ کالیفرنیا زندگی می‌کردیم.

من از خودم پرسیدم چه چیزی باعث ایجاد تفاوت می‌شود؟ چرا بعضی از افراد از لحاظ مالی خوب هستند و برخی دیگر فقیر هستند؟ چرا برخی افراد دارای درآمد مکفی<sup>۳</sup> هستند و برخی افراد دارای درآمد کم<sup>۴</sup>؟ تفاوت در چیست؟ در اینجا چه اتفاقی رخ داده است؟

من سعی کردم از تمام افراد بزرگسالی که در همسایگی ما قرار داشتند، سؤال کنم و به زودی دریافتم آن‌ها چیزی بیشتر از آنچه من می‌دانم، در واقع نمی‌دانند. در حقیقت، آنچه برای من شگفت‌آور بود، این بود که: بزرگسالانی که در همسایگی ما قرار داشتند، هیچ چیزی نمی‌دانستند. آن‌ها واقعاً بی‌سواد بودند. برخی به صورت غریزی در آن‌ها انگیزه‌ی مشغول شدن به کاری ایجاد شده بود و برخی از آن‌ها هم از بیرون هدایت<sup>۵</sup> می‌شدند.

مادر من دارای ویژگی‌های دوست‌داشتنی<sup>۶</sup> بود. یکی از این ویژگی‌ها، بی‌وقفه دلخوشی دادن به افراد و دیگری عشق او به کتاب بود. او پیوسته در

<sup>۱</sup>. Tent City.

<sup>۲</sup>. old Mariner Apartments.

<sup>۳</sup>. well paid.

<sup>۴</sup>. poorly paid.

<sup>۵</sup>. other directed.

<sup>۶</sup>. endearing qualities.

حال رفت‌وآمد به کتابخانه بود و یکی از خاطرات مورد علاقه‌ی من، این بود که از او خواستم تا یک روز صبح خیلی زود، اُوتمیل / بلغور جوی دوسر<sup>۱</sup> را با شیر، روی تاب، برهنه، در زیر چراغ برق، با کتابی که در برابر او قرار داده بودم را بخورد. او علاقه‌ی خاصی به کتاب‌های گردشگری داشت. گرچه هرگز توانایی سفر کردن نداشت، اما زمین را از کتاب‌های گردشگری و ماجراجویانه‌ی<sup>۲</sup> خود و از قطب شمال تا قطب جنوب را بلد بود. من مطمئن هستم این کار، در آن دوران، سخت به سلامت او کمک می‌کرد. او یک زن جذاب بود، هنوز هم جوان بود که خود را کاملاً وقف فرزندان پسر، خود و بزرگ کردن آن‌ها کرده. کتاب‌ها و رادیوی او، تنها سرگرمی او بودند. او در مسیر طولانی خود، با قطار بین‌شهری به سمت لس‌آنجلس، یعنی رفتن به محل کارش کتاب می‌خواند، درست در شب‌هنگام و زمانی که ما به بستر می‌رفتیم نیز برای ما کتاب می‌خواند. در تعطیلات، بعد از تمیز کردن و شستن لباس‌ها، مجدداً کتاب‌های او، دنیای او را پر از سفرهای هیجان‌انگیز و ماجراجویی می‌کردند. بعداً در زندگی، من متوجه شدم او هرگز خود را پایبند آداب‌ورسوم سخت نکرد و یا چمدان‌های خود را در سه تاکسی ایتالیایی قرار نداده بود و یا با یک زبان و پول خارجی در جریان، به چالش کشیده نشده بود، با این حال، او از یک طرف کره‌ی زمین به طرف دیگر و یا مکان‌های بسیار دورافتاده سفر کرده بود. او توانسته بود کارهای زیادی را

<sup>۱</sup> .oatmeal.

<sup>۲</sup> .adventure.

بدون خارج شدن از لس‌آنجلس انجام دهد، او سپاسگزار سیستم کتابخانه‌ی عمومی<sup>۱</sup> بود. او حتی یک ده سنتی هم برای کتاب‌ها پرداخت نکرد.

و به همین دلیل بود که کتابخانه‌ی عمومی لانگ‌بیچ که من به دنبال آن بودم، راز موفقیت را در خود داشت. من نمی‌دانستم در بین هزاران عنوان موجود، به کدام یک نگاه کنم، اما از احساس خود مطمئن بودم که این راز را در جایی نگه داشته است. به نظر من اگر کسی تاکنون اندازه‌ی من متوجه شده بود، او (زن/ مرد) قطعاً تاکنون کتابی در مورد آن نوشته بود. بعد از اینکه شروع به جستجو کردم، خودم را دیدم که از مسیر اصلی منحرف شده بودم و به دنیای هیجان‌انگیز داستان وارد شده بودم: پسران هارلی<sup>۲</sup>، داستان‌های تخیلی ادگار رایس باروز<sup>۳</sup>، کتاب‌های زین گری<sup>۴</sup> با عنوان وسترن‌ها<sup>۵</sup>، سپس به سمت داستان‌های شگفت‌انگیز روی آوردم، سرخیوست دشت‌ها<sup>۶</sup> از استنلی وستال<sup>۷</sup> و ناگهان متوجه شدم مانند مادرم معتاد به کتاب هستم. من در مورد صداقت، پایبندی به اصول اخلاقی<sup>۸</sup>، شجاعت و اعتقاد به آنچه درست است و آمادگی لازم برای مبارزه برای به

<sup>۱</sup>. public library.

<sup>۲</sup>. the Hardy Boys.

<sup>۳</sup>. Edgar Rice Burroughs.

<sup>۴</sup>. Zane Grey.

<sup>۵</sup>. Westerns.

<sup>۶</sup>. Plains Indians.

<sup>۷</sup>. Stanley Vestal.

<sup>۸</sup>. personal integrity.



دست آوردن آن‌ها، چیزهای بسیاری یاد گرفتم. می‌دانم رابطه‌ی عاشقانه‌ی<sup>۱</sup> من با کتاب بود که منجر شد بهترین تحصیلات را داشته باشم. بعداً، با شروع جنگ جهانی دوم که در شرف روی دادن بود، من مدرسه را ترک کردم و در نیروی دریایی ایالت‌متحده‌ی آمریکا ثبت‌نام کردم. با این حال، من تحصیلاتم را ادامه دادم، در مورد هر چیزی که نمی‌دانستم، خواندم.

من دو تصمیم گرفتم که راهنمای بقیه‌ی زندگی من بود. اولین تصمیم این بود که در جستجوی راز موفقیت باشم؛ و دومین تصمیم، این بود که نویسنده شوم. من عاشق کتاب بودم و تمایل داشتم آن کتاب‌ها را خودم بنویسم. در اواخر جنگ، من دوباره خودم را به‌عنوان مربی دیدم که در کمپ لژون<sup>۲</sup> در کارولینای شمالی<sup>۳</sup> کار می‌کردم. در فاصله‌ی رانندگی بین شهر جکسون ویل<sup>۴</sup> و مرکز شهر، من متوجه ایستگاه رادیویی شدم که در حال ساخت بود. من تصمیم گرفتم برای یک آگهی شغلی که خوانده بودم، اقدام کنم و شب‌ها و آخر هفته‌ها نیز کار کنم. در نهایت تست دادم و استخدام شدم. اولین کار من در رادیو، در واقع نشستن روبروی یک میکروفون در یک ایستگاه رادیویی کوچک، ایستگاه WJNC در جکسون

<sup>۱</sup> love affair.

<sup>۲</sup> Camp Lejeune.

<sup>۳</sup> North Carolina.

<sup>۴</sup> Jacksonville.

ویل، کارولینای شمالی بود. مالک یا مدیر ایستگاه، لستر گولد<sup>۱</sup> بود و در نهایت ما دوستان خوبی برای یکدیگر شدیم.

من مانند گذشته در زندگی‌ام، به پخش روی آوردم. من در واقع در محیط دلخواه بودم و بعد از بیش از چهل سال نیز همچنان در آن محیط هستم؛ اما تمایل من برای نوشتن در این راستا کم نشد و به تدریج من شروع به برنامه‌ریزی کردم تا بتوانم در طی روز، برنامه‌های خود را بنویسم. در همین حال، من کسب‌وکار را یاد گرفتم، به تبلیغات پرداختم، اخبار را منتشر کردم و به ارائه‌ی تبلیغات رادیویی، در وقفه‌های کوتاه بین برنامه پرداختم. من درآمد اضافی داشتم و همین امر ثابت می‌کند که بعد از خاتمه دادن خدمت خود من سپاه تفنگداران دریایی ایالات متحده<sup>۲</sup>، تجارب ارزشمندی کسب کردم.

من همچنان به کتاب خواندن ادامه دادم و بدون وقفه در جستجوی راز موفقیت بودم، من کتاب‌های ادیان بزرگ را نیز مورد مطالعه قرار دادم. من خودم را در نهایت، شیفته و عاشق فلسفه و روانشناسی دیدم؛ اما اکنون من بیست و نه ساله بودم و برای CBS<sup>۳</sup> در شیکاگو کار می‌کردم، ناگهان همین‌طور که در حال خواندن کتاب‌ها بودم، نوعی روشن‌بینی<sup>۴</sup> به سراغ من آمد و روبروی من ظاهر شد که در حال خواندن حقیقت مشابه بودم و

<sup>۱</sup> Lester Gould.

<sup>۲</sup> Marine Corps.

<sup>۳</sup> CBS.

شبکه‌ی سی بی اس یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی آمریکا است که در سال ۱۹۲۷ میلادی راه‌اندازی شد (توضیح مترجم).

<sup>۴</sup> enlightenment.